

نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی

سعید صفری^۱ و مهدی سمیع‌زاده^۲

چکیده: این تحقیق با هدف شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینی و نیازسنجی آموزش کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی با توزیع ۹۷ پرسشنامه بین دانشجویان و ۳۶ پرسشنامه بین استادان انجام شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد تقریباً در همه رشته‌های علوم انسانی دانشگاه، وضعیت آموزش کارآفرینی چه از دید دانشجویان و چه از دید استادان دارای وضعیت نامناسبی است. در حقیقت مواد، محتوا و برنامه‌های فرعی علمی آموزشی و حتی شیوه‌های تدریس در رشته‌های علوم انسانی در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار به دانشجویان وضعیت مناسبی ندارند. همچنین از نظر استادان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه، گنجاندن موضوعات آموزشی چون: مبانی کسب‌وکار، طرح کسب‌وکار، ارتباطات، مدیریت و سازمان، قوانین و مقررات حقوقی و تجاری، حسابداری، مدیریت مالی، کسب‌وکار الکترونیک، تأسیس کسب‌وکار، بازاریابی، مدیریت استراتژیک، کسب‌وکار بین‌الملل، مهارت‌های کارآفرینی، به عنوان یک واحد علمی-آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان، برای گسترش دانش و مهارت کارآفرینی و افزایش آگاهی کارآفرینانه دانشجویان لازم است.

کلمات کلیدی: نیازسنجی آموزشی، دانش کارآفرینی، مهارت کارآفرینی، رشته‌های علوم انسانی

۱-مقدمه

آموزشی، پرورش یابد [۲]. نظریه‌پردازان علم مدیریت که بعد فنی کارآفرینی را بررسی می‌کنند، بر این اعتقادند که کارآفرینان می‌توانند در کلاس درس آموزش ببینند و بالنده شوند [۳]. بنابراین کارآفرینی امروزه به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است [۴]. دانشگاه‌ها ملزم هستند برای ترقی و ترویج آموزش کارآفرینی بیندیشند؛ چون نسل جوان نیاز دارد که بداند چطور در برابر محیط‌های ناامن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار به‌طور انعطاف‌پذیر عمل کند. ساختار نظام آموزشی باید طوری تنظیم گردد که فارغ‌التحصیلان بتوانند در آینده به‌صورت کارآفرین در جامعه فعالیت کنند [۵].

محققان بیان می‌کنند افرادی که کسب‌وکارها را آغاز می‌نمایند، سطح بالاتری از آموزش‌های مرتبط با کارآفرینی و کسب‌وکار را نسبت به افرادی که این کار را انجام نمی‌دهند، دارا می‌باشند. همچنین به اعتقاد بعضی از نویسندگان، موفقیت کارآفرینان نوظهور تابعی از مهارت‌های کسب‌وکار (به طور عام) و آموزش‌های مربوط به کارآفرینی (به طور خاص) می‌باشد. آموزش کارآفرینی

عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه‌هاست. کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند، بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت در آورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی ارزشمند دست یافته‌اند. دسترسی به این نوآوری‌ها، که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است، منوط به کارآفرینی است. شان کارآفرینی را به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می‌شود و همچنین دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می‌کند، حایز اهمیت می‌داند [۱]. کارآفرینی پدیده فنی-اقتصادی جدیدی است که در دو دهه اخیر جهان اقتصاد و صنعت را با پیامدهای شگفت خود متحول ساخته است. شواهد موجود نشان می‌دهد که کارآفرینی می‌تواند در نتیجه برنامه‌های

تاریخ دریافت مقاله ۹۰/۱۰/۲۴، تاریخ تصویب نهایی ۹۱/۰۱/۲۸

^۱ استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، (نویسنده مسئول)،

safari@shahed.ac.ir

پست الکترونیکی:

^۲ کارشناس ارشد، مدیریت کارآفرینی، دانشگاه تهران

برخوردارند و مشکلات آنان به این لحاظ بسیار زیاد است. بر این اساس هدف این پژوهش، ارزیابی وضعیت موجود آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر مواد، محتوا و برنامه‌های آموزشی در میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه شاهد و شناسایی نیازهای آموزشی آنان می‌باشد. شناسایی نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه کارآفرینی، می‌تواند در هدفمندشدن آموزش‌های کارآفرینی مفید واقع شود و به جهت‌دهی مناسب آموزش‌های دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی منتهی گردد.

آموزش کارآفرینی: در گذشته افسانه‌ای شایع بود که کارآفرینان دارای ویژگی‌های ذاتی هستند و این ویژگی‌ها همراه با آنان متولد می‌شود. این ویژگی‌ها شامل ابتکار، روحیه تهاجمی، تحرک، تمایل به پذیرش ریسک، توان تحلیلی و مهارت در روابط انسانی است. بنابراین فرض اساسی افسانه این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی‌یابند؛ اما امروزه کارآفرینی به عنوان یک رشته علمی موردشناسایی قرار گرفته و فروپاشی این افسانه قدیمی را به دنبال داشته است. رشته علمی کارآفرینی همانند تمامی رشته‌های دیگر، دارای مدل‌ها، فرایندها و قضایایی است که باید دانش مربوط به آنها کسب شود [۱۰]. به رغم آنکه برخی از صاحب‌نظران معتقدند کارآفرینی با آموزش مستقیم حاصل نمی‌شود و باید به روش پرورشی کارآفرینان راثربیت کرد؛ اما هیچکس منکر این مطلب نیست که استفاده از فناوری‌های نو و ایجاد کسب و کار جدید بدون آموزش و پژوهش در عمل دست نیافتنی است. با بررسی اطلاعات موجود در زمینه افزایش رشته‌های دانشگاهی کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اهمیت نظام آموزشی و پژوهشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. به عبارت دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. آموزش کارآفرینی، دانش و مهارت‌های ضروری برای افراد علاقمند را بالادست دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی که جویای مشاغل ارضا کننده هستند، فراهم می‌کند [۸].

آموزش کارآفرینی رشد قابل توجهی را در ۵۰ سال گذشته (۲۰۰۵-۱۹۵۵) از ارائه یک رشته واحد گرفته تا دامنه

موجب ترغیب رفتار کارآفرینانه می‌گردد و تحقیق در رشته آموزش کارآفرینی به طور قابل توجهی در سال‌های اخیر توسعه یافته است [۶]. شناخت تفاوت‌های مهارتی و نیازهای دانشی افراد کارآفرین و کارمندانی که در یک سازمان کار می‌کنند، می‌تواند مهم باشد. کارآفرینان به دانش و مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها برای حمایت از مرحله شروع، مدیریت و توسعه کسب‌وکارهای خود نیاز دارند. در مقابل اکثر کارمندان نیازمند تخصص نسبتاً کمی در محدوده دانش مورد نیاز شغلی خود هستند. اگر چه دانش مرتبط می‌تواند در طول تجربیات کاری گذشته به دست آمده و یا توسعه یابد؛ اما بیشترین مجموعه مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان ظاهراً از طریق آموزش و پرورش به دست می‌آید [۷].

امروزه به طور فزاینده‌ای این انتظار وجود دارد که دانشگاه‌ها در کنار پژوهش و تعلیم باید وظیفه دیگری را نیز به عنوان موتورهای ابتکار و رشد اقتصادی هر منطقه بر عهده گیرند. علاوه بر این دولت‌ها به منظور رشد اقتصادی و پاسخگویی به بزرگترین چالش‌های اقتصادی، یعنی بهبود استانداردهای زندگی، اشتغال و افزایش درآمدهای مالیاتی، فعالیت می‌کنند [۸]. در کشور ما نیز کارآفرینی در اذهان مسئولان و رشته‌های دانشگاهی بسیار مهم شده است. در کشورهای مختلف دنیا آموزش کارآفرینی در درون دوره‌های دانشگاهی و توسعه مؤسسات خاص مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. آمریکا، کانادا و برخی کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام‌های اساسی جهت حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی برداشته‌اند. در کشورهای جهان، دانشگاه‌ها براساس ویژگی‌های گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های آموزشی متعدد و مناسبی را طراحی کرده‌اند. دولت‌های اروپایی حمایت‌های ویژه‌ای از برنامه‌ها و فعالیت‌های تشویق کارآفرینی بین جوانان، به عمل می‌آورند [۹]. بنابراین شناسایی وضعیت موجود دانش و نیازهای آموزشی در زمینه کارآفرینی در رشته‌های دانشگاهی برای شروع فرایند بلندمدت آموزش و پرورش کارآفرینی ضرورت دارد. توسعه کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی نیز با توجه به گستردگی این مقوله از علم بسیار مهم می‌باشد. در حقیقت رشته‌های علوم انسانی از کمترین درس‌های کاربردی

وسعی از فرصت‌های آموزشی در بیش از ۱۵۰۰ دانشکده و دانشگاه در سراسر جهان تجربه نموده است. طی دو دهه اخیر نیز آموزش کارآفرینی از رشد فزاینده و قابل توجهی برخوردار بوده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۷۰ تنها تعداد معدودی از دانشگاه‌ها رشته‌های کارآفرینی را ارائه می‌نمودند؛ اما در اوایل دهه ۱۹۸۰، ۳۰۰ دانشگاه رشته‌هایی را در کارآفرینی و کسب‌وکار کوچک ارائه نمودند، و در دهه ۱۹۹۰ تعداد آنان به ۱۰۵۰ دانشگاه رشد داشته است. امروزه تنها در آمریکا، آموزش کارآفرینی به بیش از ۲۲۰۰ رشته در حدود ۱۶۰۰ دانشگاه رسیده است [۱۱]. این موضوع تنها یک پدیده معمولی در آمریکا نیست. تعدادی از مؤسسات آکادمیک نیز در سراسر جهان برنامه‌هایی را در امر پژوهش کارآفرینی توسعه داده‌اند [۱۲]. دلایل متعددی برای کمک به توجیه موارد بالا وجود دارد؛ یکی از این دلایل آن است که شناسایی و پرورش کارآفرینان مستعد از طریق فرایند آموزش، می‌تواند منافع اقتصادی بلندمدتی را فراهم آورد. به طور ویژه، آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از مؤثرترین روش‌ها برای تسهیل در انتقال دانش‌آموختگان از آموزش به سمت کار باشد [۱۳]. از نظر گیب مهم‌ترین عامل توجه به آموزش در بحث کارآفرینی، عدم کارایی نظام اداری دولتی در رونداشتغال‌زایی است و این که شرکت‌های کوچک سهم بیشتری در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و استخدام افراد دارند. با توجه به این که افرادی با ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی خاص به ایجاد کسب‌وکارهای موفق اقدام می‌نمایند، تلاش‌های زیادی جهت شناسایی وجه تمایز کارآفرینان با غیر کارآفرینان و همچنین مدیران با کارآفرینان صورت گرفته است. با شناسایی این اختلافات می‌توان نسبت به تقویت روحیه کارآفرینی در افراد غیر کارآفرین از طریق فعالیت‌های آموزشی ویژه اقدام نمود [۱۴]. به همین دلیل فعالیت‌های آموزشی از ابتدای دهه ۸۰ به سرعت در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها گسترش یافت [۱۵].

راه‌اندازی کسب‌وکار اساساً فعالیتی متفاوت از اداره نمودن یک کسب‌وکار می‌باشد [۱۶]. برای روشن شدن ماهیت نامشخص فرایند کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار، آموزش کارآفرینی باید شامل مباحث مهارت در مذاکره، رهبری، توسعه محصول، تفکر خلاق و آشکار نمودن

نوآوری تکنولوژیک باشد. زمینه‌های دیگری که برای آموزش کارآفرینی مهم می‌باشند عبارتند از: آگاهی از گزینه‌های شغلی کارآفرینانه، منابع سرمایه کسب‌وکار مخاطره‌آمیز، تحمل ابهام و مشخصاتی که چالش‌های کارآفرینی را مرتبط با هر مرحله توسعه کسب‌وکار مخاطره‌آمیز تعریف می‌نماید [۱۷]. شیوه‌های نوین آموزش کارآفرینی به واسطه‌ی آموزش مهارت‌های ویژه و مباحث چرخه عمر کسب‌وکار در مخاطرات جدید، کارآفرینی و آموزش آن را از آموزش سنتی کسب‌وکار متمایز می‌نماید [۱۸]. هدف از آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، تدوین سیاست‌هایی است که دانشجویان و اعضای هیأت علمی را به این امر تشویق و آنان را در این مسیر مساعدت نماید. برنامه‌های آموزشی و درسی در کلیه رشته‌ها و فرایندهای اجرایی آنان باید به گونه‌ای طراحی شوند که مهارت‌های لازم را در دو محور مهارت‌های فردی و تخصصی به دانشجویان ارائه کنند و درون این برنامه‌ها انجام فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و بخصوص آموزش کارآفرینی جای داده شود [۱۹]. در نظر گرفتن نقش فرهنگی و تجربی برای کارآفرینی به شکل غیرمستقیم از این ایده حمایت می‌کند که کارآفرینی تحت‌تأثیر اقدامات آموزشی است. سه موضوع مهم در مورد نوآوران و کارآفرینان عبارتند از: دانش، مهارت و نگرش. در اکثر آموزش‌های رسمی، به شکلی جامع و تحلیلی به موضوع اول پرداخته می‌شود؛ به موضوع دوم به شکلی ناقص توجه می‌شود و به راحتی نمی‌توان آن را در سیستم‌های آموزش رسمی دید و به موضوع سوم نیز اصلاً پرداخته نمی‌شود [۲۰]. از دید مک‌مولان و کاهون، مهم‌ترین اهداف ذکر شده در مورد آموزش کارآفرینی و برنامه آموزشی که به رشد استقلال‌طلبی و خلاقیت در نظام تعلیم و تربیت کمک می‌کنند، عبارتند از: دستیابی به دانش لازم در خصوص کارآفرینی؛ دستیابی به مهارت‌های لازم برای استفاده از تکنیک‌ها؛ تجزیه و تحلیل موقعیت‌های کسب‌وکار و هم‌پیمایی با دیگر طرح‌های اقدام؛ شناسایی و تهییج انگیزه، استعداد و مهارت‌های کارآفرینی؛ کمک و حمایت از تمامی ابعاد منحصر به فرد کارآفرینی؛ هدایت نگرش‌ها به سمت تغییر و تحولات؛ ترغیب شرکت‌های تازه تأسیس و دیگر کسب‌وکارهای کارآفرینانه [۲۱]. به طور کلی در

همچون آمریکا، هند، فیلیپین، مالزی، فنلاند و هلند مراکز ویژه‌ای برای حمایت از کارآفرینان بالقوه تأسیس کرده‌اند که ضمن ارائه آموزش‌های ویژه جهت توسعه توانایی‌ها و انگیزش افراد، توسعه مناطق شهری و آموزش‌های عملی نزد کارآفرینان موجود را نیز در بر می‌گیرد.

- دسته سوم: دوره‌هایی که جهت «رشد و بقای کارآفرینان و شرکت‌های کوچک» طراحی شده است و شرکت‌های کوچک موجود را پوشش می‌دهد. واقعیت آن است که این گروه از شرکت‌ها در هر کشوری باید مورد توجه قرار گیرند. در کشورهای کمونیستی سابق شرکت‌های کوچک بسیار مورد توجه قرار می‌گرفتند و تعداد زیادی از آنان با کمتر از ۱۰ کارمند تأسیس شدند. نیازهای آموزشی در این برنامه‌ها بسیار متنوع است. از دوره‌های بسیار مورد قبول در این خصوص می‌توان به دوره رشد شرکت‌های کوچک در دانشگاه دارهام و دوره «فعالیت‌های اقتصادی خود را بهبود دهید» اشاره کرد که توسط سازمان بین‌المللی کار^۱ در سراسر دنیا اجرا می‌شود.

- دسته چهارم: برنامه «توسعه آموزش کارآفرینی» شامل شیوه‌های جدید آموزشی و تعیین نقش‌های نوین دانشجو و استاد در فرآیند آموزش کارآفرینی است. هدف دیگر این برنامه‌ها آموزش و گسترش کمی استادان جدید از میان صنعتگران و دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی برای آموزش کارآفرینی است [۲].

برنامه‌های مبتنی بر آموزش بر این فرض استوارند که اگر ما ابزارهای مناسب و مؤثر برای مرتبط ساختن منابع برگرفته از دانشگاه‌ها، مدارس فنی و دانشکده‌ها به جامعه کسب‌وکار جدید پیدا کنیم، آن وقت واقعاً قادر به تقویت ابتکارات صنعتی هستیم [۲۳]. در مطالعه دانشگاه بایلور^۲، ارزیابی دانشجویان رشته کارآفرینی از دروس رشته خود این بود که باید بیشترین تأکید بر دروس مالی باشد. دومین موضوعی که به نظر آنان باید بیشتر مورد تأکید قرار گیرد، درس مدیریت بود. علاوه بر این دروس روابط انسانی و بازاریابی نیز از نظر دانشجویان دارای اهمیت ویژه است. دروس حسابداری، حقوق، مدیریت دولتی، روش‌های کمی، ارتباطات، زبان انگلیسی، سخنرانی عمومی، هنرهای آزاد در مرتبه بعدی اهمیت قرار داشتند [۸]. نتایج تحقیق سولومون نشان می‌دهد که اغلب موضوعات و رشته‌های

آموزش کارآفرینی اهداف متعددی موردنظر است که برخی از این اهداف عبارتند از:

- کسب دانش مربوط به کارآفرینی؛
- کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی؛
- شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه؛
- القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی؛
- ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه‌های منحصر به فرد کارآفرینی؛
- تجدید نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر [۲۲].

برنامه‌های آموزش کارآفرینی: در سال ۱۹۹۰ میلادی

مطالعه در خصوص آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک رشته جدید مورد توجه قرار گرفت و مواردی چون توسعه روش‌های تحقیق برای سنجش اثربخشی آموزش کارآفرینی؛ محتوا و روش‌های آموزش کارآفرینی؛ قابلیت افرادی که در زمینه آموزش کارآفرینی، آموزش می‌بینند؛ قبول آموزش کارآفرینی در مدارس و نه در فعالیت‌ها؛ وجود و توسعه یک چارچوب علمی مشترک در زمینه کارآفرینی؛ اثربخشی دیگر شیوه‌های آموزشی و نیازهای آموزشی کارآفرین تعلیم یافته در طول چرخه عمر شرکت؛ مورد توجه قرار گرفت. به طور کلی تا سال ۱۹۹۰ میلادی چهار دسته اصلی از دوره‌های آموزشی کارآفرینی شکل گرفت که عبارت بودند از:

- دسته اول: برنامه‌هایی برای «آگاهی و جهت‌گیری به سوی کارآفرینی». هدف از این دوره‌ها، افزایش آگاهی، درک و بینش نسبت به کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی برای تمامی اقشار اجتماعی است. این گونه برنامه‌ها در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تدریس می‌شود تا انگیزه و تمایل دانش‌آموزان و دانشجویان برای کارآفرین شدن افزایش یابد. گروه‌های نژادی، غیر شاغلان، مخترعان، دانشمندان، کارکنان دولت و بازنشستگان ارتش و گروه‌های مختلف دیگر، می‌توانند تحت پوشش این دوره‌ها قرار گیرند.
- دسته دوم: شامل برنامه‌های آموزشی است که «توسعه تأسیس شرکت‌ها» را پوشش می‌دهد. این برنامه‌ها به اقتضای شرایط خاص هر کشور طراحی شده‌اند. کشورهای

جدول ۱ مدل فرآیندی آموزش‌های کارآفرینی -
"هینس، ۱۹۹۶"

ویژگی‌های دانش‌آموز	• مبانی دانش قبلی • انگیزش • شخصیت • نیازها / علایق • استقلال • نگرش‌ها • تأثیر والدینی • احترام به خود • ارزش‌ها • تجربه کاری
مهارت‌های فردی	• تعریف کارآفرینی • کارآفرینی درونی • نوآوری • توسعه محصول جدید • تولید ایده • تحقیق بازار • امکان‌پذیری ایده • مالی • تولید • قوانین • مدیریت افراد • کار تیمی • کسب و کار • بازاریابی • مدیریت
فرآیندهای یادگیری	- آموزش (تعلیمی، مطالعه و سخنرانی‌ها) - ایجاد مهارت (مباحث گروهی، مطالعات موردی، ارائه‌ها، حل کردن مشکل، شبیه‌سازی، کار تیمی، پروژه‌ها) - کشف (طوفان مغزی، هدف‌گذاری شخصی، برنامه‌ریزی شغلی، مشورتی)
نتایج	- شخصی (ارتباط مطمئن)؛ دانش (کسب‌وکار مخاطره‌آمیز، خوداشتغالی، کسب‌وکار، مدیریت، مهارت‌های تجزیه و تحلیل بازار، حل مشکل، تصمیم‌گیری، ارتباط، خطرپذیری) - حرفه‌ای (دانش بهبود یافته، گزینه‌های شغلی گسترده‌تر، چشم‌انداز شغلی بدون ساختار)

نگرش اغلب مربوط به موضوعات پیش‌زمینه‌ای یک فرد می‌باشد و رفتار (به عنوان یک نتیجه) نیز تابعی از نگرش و مهارت اوست. هرچند نگرش و رفتار نیز تا حدودی قابل تعلیم و یادگیری هستند؛ اما مهارت‌های فردی مهم‌ترین زمینه آموزشی در موضوع کارآفرینی می‌باشند. از آنجا که اکثر محققان بر قابل یادگیری بودن مهارت‌های کارآفرینی تأکید دارند و برخی از این مهارت‌ها از طریق برنامه‌های آموزشی و برخی دیگر نیز از طریق برنامه‌های پرورشی قابل آموزش و یادگیری هستند، ما نیز در این تحقیق، با توجه به جمع‌بندی تمام مطالب فوق، مجموعه مهارت‌های کارآفرینی را به دو دسته مؤلفه دانشی (دانش کارآفرینی) و مؤلفه مهارتی (مهارت کارآفرینی) تقسیم‌بندی نموده‌ایم. مؤلفه‌های دانشی مواردی هستند که از طریق برنامه‌های آموزشی و مواد درسی قابل یادگیری می‌باشند و مؤلفه‌های

علمی ارائه شده در زمینه کارآفرینی شامل این مباحث می‌باشد: کارآفرینی؛ مدیریت کسب‌وکار کوچک؛ ایجاد کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدید؛ تکنولوژی/نوآوری؛ سرمایه کسب‌وکار؛ مشاوره‌های کسب‌وکاری کوچک؛ سمینار استراتژی کسب‌وکار کوچک؛ حق امتیاز؛ توسعه محصول جدید؛ بازاریابی کارآفرینانه؛ تأمین مالی کسب‌وکار کوچک؛ و خلاقیت [۲۴].

هینس در مدل فرایندی (جدول ۱) که برای برنامه‌های آموزش کارآفرینی ارائه نموده است، بیان می‌کند که برای دستیابی به اهداف هرگونه برنامه کارآفرینی، باید اهداف دقیقی برای دانش، مهارت و یادگیری تنظیم شده باشد. همچنین باید بین مفاهیم «چه چیزی را یاد گرفتن»، «چگونه یاد گرفتن» و «با چه کسی یاد گرفتن» تمایز قائل شد. برنامه‌های آموزشی کارآفرینی نباید از نظر ذاتی، عام پنداشته شوند؛ بلکه بیشتر باید ضروریات و نیازهای دانشجویان را در نظر بگیرند [۲۵].

به منظور جالب‌تر نمودن محتوا، ارزیابی و آموزش متدولوژی‌های مشخص‌تر برای برآورده ساختن نیازهای دانشجویان، لازم است تنوع موضوعاتی را که در یک برنامه کسب‌وکار مخاطره‌آمیز در نظر گرفته شده‌اند، و با پیش‌زمینه دانشجویان متفاوت هستند، مد نظر قرار داد. هینس در مدل خود یک برنامه آموزشی برای کارآفرینی از منظر تفکر سیستمی مورد بررسی قرار می‌دهد. در مدل او موضوعاتی همچون پیش زمینه‌های دانشجویان (به عنوان درون‌داد سیستم)، محتوا و روش آموزش (فرایند سیستم) و نتایج مورد انتظار (برون‌داد سیستم) در یک برنامه آموزش کارآفرینی مدنظر قرار گرفته است [۲۵].

۲- روش تحقیق

چارچوب نظری و مؤلفه‌های پژوهش: کارآفرینی بر فرآیندهای کارآفرینانه که خود مستلزم رفتار، نگرش و مهارت‌های فردی می‌باشد، مبتنی است. بنابراین آموزش کارآفرینی نیز باید بر اساس همین فرایند باشد و از طرف دیگر میزان سنجش شناخت و آگاهی یک فرد از موضوع کارآفرینی باید از سه منظر رفتار، نگرش و مهارت مورد سنجش قرار گیرد.

محسوب می‌شود. جامعه اول آماری تحقیق مورد نظر عبارت است تمامی دانشجویانی که در سال آخر مقطع کارشناسی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه شاهد تحصیل می‌نمایند که بر این اساس کلیه دانشجویانی که در سال ۸۳ و یا ۸۴ وارد دانشگاه شده‌اند جامعه مورد نظر ما می‌باشند. همچنین جامعه دوم آماری این تحقیق مشتمل بر کلیه استادان عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد می‌باشد. طبق بررسی‌های به عمل آمده و آمار موجود، تعداد دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی و استادان دانشکده علوم انسانی به قرار جدول ۲ می‌باشد. جهت گردآوری ادبیات موضوعی تحقیق و بررسی پیشینه موضوع، روش کتابخانه‌ای، و ابزار پرسشنامه نیز به عنوان ابزار لازم جهت جمع‌آوری داده‌های میدانی (بررسی مؤلفه‌های تحقیقاتی جامعه آماری) انتخاب گردیدند. جهت توزیع پرسشنامه تحقیق در میان اعضای نمونه و جمع‌آوری داده‌های لازم، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ساده به کار گرفته شد؛ بدین ترتیب که ابتدا نمونه اولیه از جامعه کل (مجموع اعضای جامعه آماری دانشجویان و یا استادان) با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید، و سپس بر اساس درصد میانگین وزنی هر کدام از زیرمجموعه‌های جامعه آماری دانشجویان و استادان، نمونه‌های کوچکتر (طبق جدول ۲) انتخاب شدند.

پرسشنامه اول تحقیق برای بررسی نظر دانشجویان مشتمل بر ۱۴۴ سؤال (۱۰ سؤال مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان و ۱۳۴ سؤال مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق) و پرسشنامه دوم نیز برای بررسی نظر استادان مشتمل بر ۸۳ سؤال (۱۰ سؤال مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان و ۷۳ سؤال مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق) به صورت دوگزینه‌ای (بلی، خیر) و پنج گزینه‌ای طیف لیکرت طراحی و بین نمونه‌های مورد نظر توزیع گردید.

مهارتی نیز مواردی هستند که از طریق برنامه‌های آموزشی فرعی و پرورشی قابل توسعه و یادگیری می‌باشند. مؤلفه‌های دانشی قابل بررسی در این تحقیق عبارتند از: دانش طرح کسب‌وکار، ارتباطات، مدیریت و سازمان، قوانین و مقررات حقوقی و تجاری، حسابداری، مدیریت مالی، کسب‌وکار الکترونیک، تأسیس کسب‌وکار، بازاریابی، مدیریت استراتژیک و کسب‌وکار بین‌الملل. مؤلفه‌های مهارتی این تحقیق نیز شامل مهارت تیم‌سازی، برقراری ارتباطات، هدف‌گذاری، رهبری و برنامه‌ریزی می‌باشند. همچنین جهت بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی و شناسایی نیازهای آموزشی دانشجویان این رشته‌ها در زمینه مذکور، سؤالات ذیل مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت:

- وضعیت آموزش کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی در مقطع کارشناسی چگونه است؟
- رابطه بین مواد آموزشی و کارآفرین شدن دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی از نظر متخصصان، چگونه است؟ (مواد آموزشی مناسب برای آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر متخصصان کدامند؟)

به منظور پاسخ‌گویی به دو سؤال فوق، دو پرسشنامه تنظیم گردید. در اولین پرسشنامه وضعیت آموزشی هر یک از مؤلفه‌های دانش و مهارت کارآفرینی به صورت مجزا و توأمان از منظر مواد آموزشی (واحدهای درسی)، محتوای علمی واحدهای درسی، برنامه‌های فرعی علمی و آموزشی، نقش و روش تدریس استادان از نگاه دانشجویان مورد سنجش قرار گرفت. در پرسشنامه دوم وضعیت آموزشی کارآفرینی از نگاه استادان مورد سنجش قرار گرفت و علاوه بر آن با معرفی برخی موضوعات پیشنهادی آموزشی، نظر استادان در مورد اینکه آیا این موضوعات می‌توانند در آموزش و انتقال مؤلفه‌های دانش و مهارت کارآفرینی به دانشجویان و افزایش آگاهی کارآفرینانه آنها مؤثر باشند یا خیر، بررسی گردید.

روش: مهم‌ترین هدف این تحقیق ارزیابی وضعیت موجود آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر مواد، محتوا و برنامه‌های آموزشی در میان دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و شناسایی نیازهای آموزشی دانشجویان می‌باشد. با توجه به هدف فوق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی

جدول ۲ جامعه و نمونه آماری تحقیق

نام گروه علمی	کتابداری	الهیات	حقوق	روانشناسی	علوم تربیتی	علوم اجتماعی	مدیریت	تربیت بدنی	مجموع
جامعه آماری									
تعداد دانشجو	۹	۸۶	۳۲	۳۵	۲۶	۶۳	۵۲	۲۲	۳۲۵
استادان	۴	۱۰	۹	۷	۵	۵	۹	۲	۴۹
نمونه آماری									
تعداد دانشجو	۲	۲۶	۹	۱۰	۸	۱۹	۱۶	۹	۹۷
استادان	۲	۷	۴	۵	۴	۶	۷	۲	۳۶
گروه الهیات (رشته‌های علوم قرآن و حدیث، فلسفه و حکمت اسلامی، فقه و حقوق اسلامی)									
گروه علوم اجتماعی (رشته‌های خدمات اجتماعی و پژوهشگری اجتماعی)									
گروه مدیریت (رشته‌های مدیریت بازرگانی و صنعتی)									

۳- نتایج و بحث

۳-۱ تحلیل توصیفی داده‌های پرسش‌نامه دانشجویان

با توجه به پاسخ‌های موجود در پرسش‌نامه‌ها، مشخص گردید که ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۴۱ درصد پاسخ‌دهندگان نیز زن می‌باشند. همچنین تنها ۸ درصد از پاسخ‌دهندگان به غیر از تحصیل به کار نیز اشتغال دارند و ۹۲ درصد از آنان به هیچ کار دیگری غیر از تحصیل اشتغال ندارند.

جدول ۳ نتایج تحلیل توصیفی داده‌های پرسش‌نامه دانشجویان

نام گروه علمی	آگاهی نسبت به فرصت‌های شغلی		خوش‌بینی نسبت به آینده شغلی		سابقه کاری مرتبط با رشته تحصیلی		ایجاد یک کسب‌وکار مستقل		ایجاد یک کسب‌وکار مستقل مرتبط با رشته تحصیلی	
	نمی	بله	نمی	بله	نمی	بله	نمی	بله	نمی	بله
کتابداری	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۰٪	۱۰۰٪	۰٪
الهیات	۵۴٪	۴۶٪	۵۴٪	۴۶٪	۸۸٪	۱۲٪	۵۴٪	۴۶٪	۵۴٪	۴۶٪
حقوق	۵۶٪	۴۴٪	۵۶٪	۴۴٪	۱۰۰٪	۰٪	۸۹٪	۱۱٪	۸۹٪	۱۱٪
روانشناسی	۷۰٪	۳۰٪	۶۰٪	۴۰٪	۱۰۰٪	۰٪	۶۰٪	۴۰٪	۶۰٪	۴۰٪
علوم تربیتی	۵۰٪	۵۰٪	۶۳٪	۳۷٪	۷۵٪	۲۵٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪
علوم اجتماعی	۶۳٪	۳۷٪	۵۳٪	۴۷٪	۷۹٪	۲۱٪	۶۳٪	۳۷٪	۶۳٪	۳۷٪
مدیریت	۶۹٪	۳۱٪	۸۱٪	۱۹٪	۸۷٪	۱۳٪	۶۹٪	۳۱٪	۶۹٪	۳۱٪
تربیت بدنی	۵۰٪	۵۰٪	۶۷٪	۳۳٪	۸۳٪	۱۷٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪	۵۰٪

جهت تعیین اعتبار محتوای پرسش‌نامه نیز از چند تن از اساتید صاحب‌نظر نظرخواهی شد و پرسش‌نامه مورد تأیید آنها قرار گرفت و به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که این مقدار بر اساس داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و خروجی نرم‌افزار اسپاس برای پرسش‌نامه دانشجویان برابر ۰/۹۸ و پرسش‌نامه استادان نیز ۰/۹۶ به دست آمد. با توجه به مقدار به دست آمده برای آلفای کرونباخ، پرسش‌نامه مورد استفاده، از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. همچنین جهت تحلیل توصیفی داده‌ها بر اساس برآورد فاصله‌ای میانگین و واریانس جامعه و برای بررسی استنباطی سؤالات تحقیق از آزمون‌های میانگین یک جامعه، مقایسه میانگین دو جامعه، و تحلیل واریانس فریدمن در محیط نرم‌افزاری اسپاس استفاده گردیده است.

دانشگاه نیز دارای مسئولیت و سمت شغلی می‌باشند و ۸۳ درصد آنان فاقد هرگونه مسئولیت و سمت شغلی در خارج از دانشگاه هستند. همچنین حدود ۱۱ درصد استادان صاحب یک کسب‌وکار (شرکت) مستقل و شخصی نیز می‌باشند و ۸۹ درصد آنان مالکیت و یا مدیریت یک کسب‌وکار (شرکت) مستقل و شخصی را تجربه نکرده‌اند.

۳-۳ بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در رشته‌های

علوم انسانی

برای بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی از نظر دانشجویان و استادان رشته‌های علوم انسانی، نظر آنها را نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی به صورت جداگانه بررسی نموده‌ایم و در ادامه نظر آنها را نسبت به این موضوع با یکدیگر مقایسه نموده‌ایم. بدین منظور از آزمون میانگین یک جامعه و دو فرضیه فرعی ذیل استفاده گردیده است.

- $H_0: \mu \leq 3$ - آموزش دانش (مهارت) کارآفرینی از نظر دانشجویان (استادان) رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد در وضعیت مناسبی قرار ندارد.
- $H_1: \mu > 3$ - آموزش دانش (مهارت) کارآفرینی از نظر دانشجویان (استادان) رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد در وضعیت مناسبی قرار دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل آزمون میانگین جامعه نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی در جدول ۴ گردآوری شده است. با توجه به نوع فرضیات فرعی در آزمون میانگین یک جامعه، در صورتی که حد بالا و حد پائین هر دو مثبت باشند، می‌توان ادعا نمود که میانگین از مقدار مورد آزمون بزرگتر است؛ یعنی فرض صفر رد و فرض مقابل تأیید می‌گردد. در غیر این صورت فرض صفر تأیید و فرض مقابل رد می‌گردد.

با توجه به اطلاعات جدول ۴ می‌توان گفت از نظر دانشجویان و استادان گروه علوم اجتماعی وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم اجتماعی بسیار نامناسب می‌باشد.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها (جدول ۳) مشخص گردید که حدود ۶۱ درصد از دانشجویان نسبت به فرصت‌های کاری مربوط به رشته تحصیلی خود در جامعه اطلاع کافی دارند؛ اما ۳۹ درصد از دانشجویان نسبت به فرصت‌های کاری مربوط به رشته تحصیلی خود در جامعه اطلاع کافی ندارند. نزدیک به ۶۲ درصد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی نسبت به آینده کاری رشته تحصیلی خود خوش‌بین هستند؛ اما حدود ۳۸ درصد آنها نسبت به آینده کاری رشته تحصیلی خود خوش‌بین نیستند.

داده‌های پرسش‌نامه‌ها همچنین نشان می‌دهند که حدود ۱۵ درصد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دارای تجربیات و سابقه کاری مرتبط با رشته تحصیلی می‌باشند و حدود ۸۵ درصد آنان فاقد چنین تجربه‌ای هستند. نزدیک به ۴۲ درصد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی تاکنون به فکر ایجاد یک کسب‌وکار مستقل و ۴۱ درصد آنان به فکر ایجاد یک کسب‌وکار مرتبط با رشته تحصیلی خود افتاده‌اند؛ اما حدود ۵۸ درصد آنان تاکنون چنین فکری در سر نداشته‌اند.

۳-۲ تحلیل توصیفی داده‌های پرسش‌نامه استادان

با توجه به اطلاعات مربوط به پرسش‌نامه‌های استادان مشخص گردید که ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۲۸ درصد پاسخ‌دهندگان نیز زن هستند. همچنین تنها ۲۲ درصد استادان مجرد و ۷۸ درصد بقیه آنان متأهل می‌باشند. سابقه تدریس ۶ درصد استادان رشته‌های علوم انسانی کمتر از ۵ سال، ۱۱ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۷۷ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۶ درصد آنان نیز بیش از ۲۰ سال می‌باشد. از میان استادان تنها ۱۷ درصد آنان دارای سابقه کار علمی و پژوهشی در زمینه کارآفرینی بوده و ۸۳ درصد آنان فاقد سابقه کار علمی و پژوهشی در این زمینه بوده‌اند.

میزان آگاهی و آشنایی نیمی از استادان رشته‌های علوم انسانی نسبت به مقوله کارآفرینی ضعیف و بسیار کم می‌باشد. ۳۳ درصد آنان میزان آگاهی متوسط و ۱۷ درصد آنان نیز آگاهی نسبتاً خوبی نسبت به این مقوله دارند. ۱۷ درصد استادان رشته‌های علوم انسانی در خارج از

جدول ۴ نتایج آزمون میانگین جامعه نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی

گروه علمی	علوم اجتماعی	تربیت بدنی	حقوق	روانشناسی	علوم تربیتی	الهیات	کتابداری	مدیریت	تمام رشته‌ها
دانش کارآفرینی									
دانشجویان	T	-۶/۴۷	-۲/۵۴	-۶/۷۲	-۲۰/۸۰	-۵/۵۰	-۸/۶۶	-۵/۳۶	-۲/۳۵
	Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	۰/۰۳۲
	Lower	-۱/۲۹	-۱/۸۶	-۱/۴۰	-۱/۸۲	-۱/۸۶	-۱/۴۸	-۱/۹۱	-۰/۶۸
	Upper	-۰/۶۶	۰/۰۱	-۰/۶۸	-۱/۴۶	-۰/۷۴	-۰/۹۱	-۰/۲۱	-۰/۰۳
استادان	T	-۵/۵۴	-۲/۵۱	-۱۴/۹۳	-۱/۱۷	-۳/۵۵	-۶/۴۷	-۲/۲۵	۰/۲۲
	Sig	۰/۰۱۲	۰/۲۴۱	۰/۰۰۱	۰/۳۰۴	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۵۳	۰/۸۲۷
	Lower	-۱/۷۲	-۸/۶۶	-۱/۴۴	-۲/۱۸	-۲/۰۰	-۱/۹۴	-۲/۲۸	-۰/۳۸
	Upper	-۰/۴۶	۵/۸۰	۰/۹۳	۰/۸۸	-۰/۱۱	-۰/۸۷	۰/۷۱	۰/۴۶
مقایسه نظرات	T	۱/۹۸	۱/۵۹	۰/۰۹	۱/۲۰	۰/۷۴	۲/۰۰	۰/۶۷	-۱/۵۰
	Sig	۰/۰۶۱	۰/۱۶۱	۰/۹۲۹	۰/۲۴۹	۰/۴۷۵	۰/۰۵۴	۰/۵۳۷	۰/۱۴۷
	Lower	-۰/۰۳	-۰/۵۹	-۰/۵۱	-۰/۵۴	-۰/۴۸	-۰/۰۱	-۰/۸۸	-۱/۱۴
	Upper	۱/۴۴	۲/۸۵	۰/۵۵	۱/۹۴	۰/۹۷	۱/۶۰	۱/۴۵	۰/۱۸
مهارت کارآفرینی									
دانشجویان	T	-۲/۳۹	-۰/۱۶	-۷/۱۵	۰/۲۲	-۴/۲۸	-۲/۹۳	-۲/۲۵	-۲/۲۴
	Sig	۰/۰۲۸	۰/۸۷۶	۰/۰۰۰	۰/۸۲۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۱۵۳	۰/۰۴۰
	Lower	-۰/۷۰	-۱/۰۲	-۱/۴۴	-۰/۶۱	-۱/۱۷	-۰/۹۸	-۱/۳۷	-۰/۸۵
	Upper	-۰/۰۴	۰/۸۹	-۰/۷۴	۰/۷۵	-۰/۳۳	-۰/۱۷	۰/۴۳	-۰/۰۲
استادان	T	۰/۷۵	-۲/۶۸	-۲۰/۳۳	۰/۵۸	-۰/۵۵	-۱/۸۵	-۰/۵۵	-۲/۳۱
	Sig	۰/۵۰۴	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۵۹۱	۰/۶۱۶	۰/۱۱۴	۰/۶۳۶	۰/۰۶۰
	Lower	-۰/۴۴	-۸/۱۲	-۱/۲۳	-۱/۰۴	-۰/۹۳	-۰/۹۴	-۲/۱۱	-۰/۸۴
	Upper	۰/۷۲	۵/۲۸	-۰/۹۰	۱/۶۰	۰/۶۵	۰/۱۳	۱/۶۳	۰/۰۲
مقایسه نظرات	T	-۳/۱۳	-۰/۲۰	-۰/۲۵	-۳/۹۷	-۵/۰۴	-۲/۹۳	-۱/۷۸	۰/۰۱
	Sig	۰/۰۰۵	۰/۸۴۲	۰/۸۰۴	۰/۰۱۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۱۴۹	۰/۹۹۲
	Lower	-۱/۸۰	-۱/۷۶	-۰/۵۹	-۳/۲۳	-۲/۵۲	-۱/۴۲	-۲/۲۲	-۰/۵۴
	Upper	-۰/۳۶	۱/۴۹	۰/۴۷	-۰/۶۰	-۰/۹۷	-۰/۲۵	۰/۴۸	۰/۵۴

۳-۴ بررسی مواد آموزشی مناسب آموزش کارآفرینی

جهت بررسی و سنجش مواد آموزشی مناسب آموزشی کارآفرینی، ابتدا با توجه به ادبیات موجود در زمینه آموزش کارآفرینی ۱۳ موضوع درسی (شامل عناوین درسی: مبانی کسب و کار، طرح کسب و کار، ارتباطات، مدیریت و سازمان، قوانین و مقررات حقوقی و تجاری، حسابداری، مدیریت مالی، کسب و کار الکترونیک، تأسیس کسب و کار، بازاریابی، مدیریت استراتژیک، کسب و کار بین المللی، مهارت‌های کارآفرینی) شناسایی و انتخاب شد و سپس از استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی در مورد تناسب گنجاندن هر کدام از این موضوعات به عنوان واحدهای درسی دانشگاهی برای دانشجویان جهت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی و نقش آنها در کارآفرین شدن دانشجویان نظرسنجی گردید. بدین منظور از آزمون میانگین یک جامعه و دو فرضیه فرعی ذیل استفاده گردیده است.

- $H_0: \mu \leq 3$ - از نظر استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد گنجاندن هر کدام از درس‌های پیشنهادی به عنوان یک واحد علمی- آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان، برای افزایش آگاهی کارآفرینانه دانشجویان و آموزش دانش و مهارت کارآفرینی مناسب نیست.

- $H_1: \mu \geq 3$ - از نظر استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد گنجاندن هر کدام از درس‌های پیشنهادی به عنوان یک واحد علمی- آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان، برای افزایش آگاهی کارآفرینانه دانشجویان و آموزش دانش و مهارت کارآفرینی مناسب است.

نتایج تجزیه و تحلیل آزمون میانگین جامعه نسبت به تناسب مواد آموزشی پیشنهادی جهت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های مختلف علوم انسانی در جدول ۶ گردآوری شده است. با توجه به داده‌های جدول مذکور می‌توان گفت از نظر استادان گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد گنجاندن تمامی موضوعات پیشنهادی به عنوان یک واحد علمی- آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان، برای آموزش دانش و مهارت کارآفرینی مناسب است. نتایج مربوط به سایر رشته‌های علوم انسانی در جدول ۷ مشخص گردیده است.

برای مقایسه نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه و دو فرضیه فرعی ذیل استفاده گردیده است.

- $H_0: \mu_1 = \mu_2$ - نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد نسبت به وضعیت آموزش دانش (مهارت) کارآفرینی یکسان است.
- $H_1: \mu_1 \neq \mu_2$ - نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه شاهد نسبت به وضعیت آموزش دانش (مهارت) کارآفرینی یکسان نیست.

در صورتی که آماره آزمون تساوی میانگین یک مؤلفه، کمتر از سطح معنی‌داری ۵ درصد باشد، می‌توان ادعا نمود که میانگین دو جامعه مورد آزمون یکسان است. در غیر این صورت میانگین دو جامعه مورد آزمون یکسان نیست. نتایج تجزیه و تحلیل آزمون مقایسه میانگین دانشجویان و استادان نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی رشته‌های مختلف علوم انسانی در جدول ۵ گردآوری شده است. با توجه به اطلاعات این جدول می‌توان گفت که نظر دانشجویان و استادان اکثر رشته‌های علوم انسانی نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی یکسان است.

جدول ۵ مقایسه نظرات دانشجویان و استادان رشته‌های علوم انسانی نسبت به وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی

گروه علمی	دانش کارآفرینی			مهارت کارآفرینی		
	متفاوت	یکسان	متفاوت	متفاوت	یکسان	متفاوت
علوم اجتماعی	نم	نم	متفاوت	نم	نم	متفاوت
تربیت بدنی	نم	نم	یکسان	نم	نم	یکسان
حقوق	نم	نم	یکسان	نم	نم	یکسان
روانشناسی	نم	نم	یکسان	نم	نم	متفاوت
علوم تربیتی	نم	نم	یکسان	نم	نم	متفاوت
الهیات	نم	نم	متفاوت	نم	نم	متفاوت
کتابداری	نم	نم	یکسان	نم	نم	یکسان
مدیریت	نم	نم	یکسان	نم	نم	یکسان
کل رشته‌های علوم انسانی	نم	نم	متفاوت	نم	نم	متفاوت
نم: نامناسب						

جدول ۶ نتایج آزمون میانگین جامعه نسبت به تناسب مواد آموزشی مناسب آموزش کارآفرینی در رشته‌های مختلف علوم انسانی

تمام رشته‌ها	مدیریت	کتابداری	الهیات	علوم تربیتی	روانشناسی	حقوق	تربیت بدنی	علوم اجتماعی		
کسب و کار	۳/۹۴	۲/۸۲	۱/۰۰	۰/۵۴	۵/۰۰	۲/۴۴	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۵۶	T
	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	۰/۴۲۳	۰/۶۰۴	۰/۰۱۵	۰/۰۷۰	۰/۴۲۳	۰/۵۰۰	۰/۲۱۵	Sig
	۰/۱۹	۰/۷۷	-۱/۱۰	-۰/۴۹	۰/۴۵	-۰/۰۸	-۱/۱۰	-۵/۸۵	-۰/۷۷	Lower
	۰/۶۲	۱/۰۶	۱/۷۶	۰/۷۸	۲/۰۴	۱/۲۸	۱/۷۶	۶/۸۵	۲/۲۷	Upper
طرح کسب و کار	۲/۹۶	۲/۸۲	۰/۰۰	۰/۵۴	۵/۱۹	۲/۴۴	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	T
	۰/۰۰۶	۰/۰۳۰	۱/۰۰۰	۰/۶۰۴	۰/۰۱۴	۰/۰۷۰	۰/۴۲۳	۰/۵۰۰	۰/۳۹۱	Sig
	۰/۹۲	۰/۷۷	-۲/۴۸	-۰/۴۹	۰/۵۸	-۰/۰۸	-۱/۱۰	-۵/۸۵	-۰/۵۴	Lower
	۰/۴۹	۱/۰۶	۲/۴۸	۰/۷۸	۲/۴۱	۱/۲۸	۱/۷۶	۶/۸۵	۱/۰۴	Upper
ارتباطات	۴/۷۲	-۴/۲۰	۰/۰۰	۳/۲۴	۲/۰۰	۲/۴۴	۴/۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	T
	۰/۰۰۰	۰/۶۸۹	۱/۰۰۰	۰/۰۱۸	۰/۱۸۴	۰/۰۷۰	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۰/۳۹۱	Sig
	۰/۴۰	-۰/۹۷	-۲/۴۸	-۰/۲۴	-۰/۷۶	-۰/۰۸	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۰/۵۴	Lower
	۱/۰۰	۰/۶۸	۲/۴۸	۱/۷۵	۲/۱۰	۱/۲۸	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۰۴	Upper
مدیریت و سازمان	۳/۳۲	-۲/۷۲	۱/۰۰	۱/۴۴	۲/۰۰	۰/۴۰	۴/۰۰	۳/۰۰	۰/۵۲	T
	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	۰/۴۲۳	۰/۲۰۰	۰/۱۸۴	۰/۷۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۰/۶۳۸	Sig
	۰/۱۸	-۱/۰۲	-۱/۱۰	-۰/۲۹	-۰/۷۶	-۱/۱۶	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۱/۲۷	Lower
	۰/۷۵	-۰/۱۳	۱/۷۶	۱/۱۵	۲/۱۰	۱/۵۶	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۷۷	Upper
قوانین و مقررات	-۰/۷۲	-۴/۲۰	۲/۰۰	-۱/۱۶	۱/۰۰	-۱/۶۳	-۰/۵۰	۱/۰۰	۰/۷۷	T
	۰/۴۷۳	۰/۶۸۹	۰/۱۸۴	۰/۲۸۹	۰/۴۲۳	۰/۱۷۸	۰/۶۶۷	۰/۵۰۰	۰/۴۹۵	Sig
	-۰/۴۴	-۰/۹۷	-۰/۷۶	-۱/۲۳	-۱/۱۰	-۲/۱۶	-۳/۲۰	-۵/۸۵	-۱/۵۵	Lower
	۰/۲۱	۰/۶۸	۲/۱۰	۰/۴۷	۱/۷۶	۰/۵۶	-۲/۵۳	۶/۸۵	۲/۵۵	Upper
حسابداری	۰/۳۴	۰/۰۰	۰/۰۰	-۱/۳۳	۱/۰۰	-۱/۶۳	۱/۰۰	۳/۰۰	۰/۵۲	T
	۰/۷۲	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۳۱	۰/۴۲۳	۰/۱۷۸	۰/۴۲۳	۰/۲۰۵	۰/۶۳۸	Sig
	-۰/۴۰	-۰/۷۵	-۲/۴۸	-۱/۱۰	-۲/۱۶	-۱/۱۰	-۴/۸۵	-۱/۲۷	-۱/۲۷	Lower
	۰/۲۸	۰/۷۵	۲/۴۸	۰/۴۷	۱/۷۶	۰/۵۶	۱/۷۶	۷/۸۵	۱/۷۷	Upper
مدیریت مالی	۰/۸۱	-۴/۶۸	۲/۰۰	-۱/۱۶	۱/۰۰	-۰/۲۷	۴/۰۰	۳/۰۰	۰/۰۰	T
	۰/۴۱۹	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	۰/۲۸۹	۰/۴۲۳	۰/۷۹۹	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۱/۰۰۰	Sig
	-۰/۲۱	-۱/۵۳	-۰/۷۶	-۱/۲۳	-۱/۱۰	-۲/۲۴	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۱/۲۹	Lower
	۰/۵۱	-۰/۵۹	۲/۱۰	۰/۴۷	۱/۷۶	۱/۸۴	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۲۹	Upper
کسب و کار الکترونیک	۲/۴۱	۲/۸۲	۲/۰۰	-۰/۶۷	۵/۱۹	۰/۴۰	۴/۰۰	۳/۰۰	۰/۵۲	T
	۰/۰۲۱	۰/۰۳۰	۰/۱۸۴	۰/۵۲۲	۰/۰۱۴	۰/۷۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۰/۶۳۸	Sig
	۰/۰۶	۰/۷۷	-۰/۷۶	-۱/۳۱	۰/۵۸	-۱/۱۶	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۱/۲۷	Lower
	۰/۷۰	۱/۰۶	۲/۱۰	۰/۷۴	۲/۴۱	۱/۵۶	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۷۷	Upper
تأسیس کسب و کار	۴/۳۷	۱/۵۴	۰/۰۰	-۰/۴۲	۱/۰۰	۲/۴۴	۱/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰	T
	۰/۰۰۰	۰/۱۷۲	۱/۰۰۰	۰/۶۸۹	۰/۴۲۳	۰/۰۷۰	۰/۴۲۳	۰/۲۰۵	۰/۰۵۸	Sig
	۰/۲۸	-۰/۱۶	-۲/۴۸	-۰/۹۷	-۱/۱۰	-۰/۰۸	-۱/۱۰	-۴/۸۵	-۰/۰۴	Lower
	۰/۷۷	۰/۷۳	۲/۴۸	۰/۶۸	۱/۷۶	۱/۲۸	۱/۷۶	۷/۸۵	۱/۵۴	Upper
بازاریابی	۱/۹۶	-۲/۱۱	۱/۰۰	-۰/۶۷	۱/۰۰	۰/۴۰	۴/۰۰	۳/۰۰	۰/۵۲	T
	۰/۰۵۸	۰/۰۴۶	۰/۴۲۳	۰/۵۲۲	۰/۴۲۳	۰/۷۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۰/۶۳۸	Sig
	-۰/۰۰	-۱/۳۶	-۱/۱۰	-۱/۳۱	-۱/۱۰	-۱/۱۶	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۱/۲۷	Lower
	۰/۵۹	-۰/۰۱	۱/۷۶	۰/۷۴	۱/۷۶	۱/۵۶	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۷۷	Upper
مدیریت استراتژیک	۳/۲۷	-۲/۲۵	۱/۰۰	-۱/۱۶	۱/۰۰	۲/۴۴	۴/۰۰	۳/۰۰	۱/۷۳	T
	۰/۰۰۲	۰/۰۴۱	۰/۴۲۳	۰/۲۸۹	۰/۴۲۳	۰/۰۷۰	۰/۰۵۷	۰/۲۰۵	۰/۱۸۲	Sig
	۰/۱۶	-۱/۳۴	-۱/۱۰	-۱/۲۳	-۱/۱۰	-۰/۰۸	-۰/۱۰	-۴/۸۵	-۴/۱۸	Lower
	۰/۷۱	-۰/۰۳	۱/۷۶	۰/۴۷	۱/۷۶	۱/۲۸	۲/۷۶	۷/۸۵	۱/۴۱	Upper
کسب و کار بین‌الملل	۱/۸۹	۲/۸۲	۰/۰۰	-۱/۱۶	۱/۰۰	۰/۴۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۷۷	T
	۰/۰۶۷	۰/۰۳۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۹	۰/۴۲۳	۰/۷۰۴	۰/۴۲۳	۰/۵۰۰	۰/۴۹۵	Sig
	-۰/۰۲	۰/۷۷	-۲/۴۸	-۱/۲۳	-۱/۱۰	-۱/۱۶	-۱/۱۰	-۵/۸۵	-۱/۵۵	Lower
	۰/۶۱	۱/۰۶	۲/۴۸	۰/۴۷	۱/۷۶	۱/۵۶	۱/۷۶	۶/۸۵	۲/۵۵	Upper
مهارت‌های کارآفرینی	۴/۸۷	۷/۰۷	۲/۰۰	۱/۰۸	۵/۱۹	۲/۴۴	۱/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰	T
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	۰/۳۲۱	۰/۰۱۴	۰/۰۷۰	۰/۴۲۳	۰/۵۰۰	۰/۰۵۸	Sig
	۰/۳۵	۰/۹۲	-۰/۷۶	-۰/۷۲	۰/۵۸	-۰/۰۸	-۱/۱۰	-۵/۸۵	-۰/۰۴	Lower
	۰/۸۷	۱/۹۲	۲/۱۰	۱/۸۶	۲/۴۱	۱/۲۸	۱/۷۶	۶/۸۵	۱/۵۴	Upper

پیشنهادی از نظر استادان رشته‌های علوم انسانی یکسان نیست. ماده آموزشی ارتباطات، دارای بیشترین اهمیت تأثیر (بالاترین رتبه) و ماده آموزشی حسابداری، دارای کمترین اهمیت تأثیر (پائین‌ترین رتبه) جهت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی می‌باشند. اهمیت تأثیر مواد آموزشی پیشنهادی از نظر استادان رشته‌های حقوق، روانشناسی، الهیات و مدیریت یکسان نیست. از طرف دیگر اهمیت تأثیر مواد آموزشی پیشنهادی از نظر استادان رشته‌های علوم اجتماعی، تربیت بدنی، علوم تربیتی و کتابداری یکسان است.

جدول ۸: اهمیت تأثیر مواد آموزشی پیشنهادی مناسب برای آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های مختلف علوم انسانی

نام درس	گروه علمی	علوم اجتماعی	تربیت بدنی	حقوق	روانشناسی	علوم تربیتی	الهیات	کتابداری	مدیریت	تمام رشته‌ها
Asymp. Sig.	۰/۰۵۶	۰/۴۴۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
رتبه										
مبانی کسب و کار	۲	۴	۳	۲	۳	۳	۴	۳	۴	۶
طرح کسب و کار	۷	۴	۵	۲	۳	۴	۴	۳	۴	۹
ارتباطات	۷	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۶	۱
مدیریت و سازمان	۶	۲	۲	۳	۱	۲	۱	۱	۵	۴
قوانین و مقررات	۴	۵	۴	۵	۲	۸	۲	۶	۱۲	
حسابداری	۶	۳	۴	۶	۳	۹	۴	۵	۱۳	
مدیریت مالی	۸	۱	۱	۴	۳	۸	۲	۵	۱۱	
کسب و کار الکترونیک	۷	۲	۱	۳	۳	۷	۲	۳	۷	
تأسیس کسب و کار	۱	۳	۲	۲	۲	۵	۴	۱	۳	
بازاریابی	۵	۲	۲	۲	۲	۶	۳	۴	۸	
مدیریت استراتژیک	۳	۲	۲	۲	۲	۸	۳	۲	۵	
کسب و کار بین‌الملل	۴	۴	۳	۳	۲	۸	۴	۱	۱۰	
مهارت‌های کارآفرینی	۱	۴	۲	۲	۳	۳	۱	۳	۲	

۴- بحث و نتایج

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که کارآفرینی یاجنبه‌های خاصی از آن، می‌تواند آموزش داده شود. کارآفرینی نه تنها نیازمند دانش (علم) است؛ بلکه نیازمند افکار جدید، انواع

جدول ۷: نظرات استادان رشته‌های علوم انسانی نسبت به مواد آموزشی مناسب جهت پیشبرد آموزش دانش و مهارت کارآفرینی

نام درس	گروه علمی	علوم اجتماعی	تربیت بدنی	حقوق	روانشناسی	علوم تربیتی	الهیات	کتابداری	مدیریت	تمام رشته‌ها
مبانی کسب و کار	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
طرح کسب و کار	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
ارتباطات	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
مدیریت و سازمان	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
قوانین و مقررات	م	م	ن	م	م	م	م	م	م	م
حسابداری	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
مدیریت مالی	م	م	م	م	م	م	م	ن	م	م
کسب و کار الکترونیک	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
تأسیس کسب و کار	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
بازاریابی	م	م	م	م	م	م	م	ن	م	م
مدیریت استراتژیک	م	م	م	م	م	م	م	ن	م	م
کسب و کار بین‌الملل	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
مهارت‌های کارآفرینی	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
م: مناسب ن: نامناسب										

۳-۵ اهمیت تأثیر (رتبه‌بندی) مواد آموزشی مناسب

آموزش کارآفرینی

برای بررسی اهمیت تأثیر و یا رتبه‌بندی مواد آموزشی پیشنهادی جهت پیشبرد آموزش کارآفرینی از نظر اساتید، از دو فرض فرعی ذیل و آزمون تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردیده است.

- H_0 - اهمیت تأثیر مواد آموزشی پیشنهادی جهت آموزش کارآفرینی از نظر استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی یکسان است.
- H_1 - اهمیت تأثیر مواد آموزشی پیشنهادی جهت آموزش کارآفرینی از نظر استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی یکسان نیست.

در جدول ۸ میزان رتبه هر کدام از مواد آموزشی پیشنهادی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی از نظر استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی مشخص گردیده است. همان‌طور که از داده‌های این جدول مشخص است، اهمیت تأثیر مواد آموزشی

قوانین و مقررات و حسابداری به عنوان یک واحد علمی-آموزشی در واحدهای درسی دانشجویان، برای آموزش دانش و مهارت کارآفرینی مناسب می‌باشند و برای افزایش آگاهی کارآفرینانه دانشجویان به ترتیب بیشترین اهمیت تأثیر را دارند.

۵- نتیجه‌گیری

حل معضل آموزشی رشته‌های علوم انسانی و سایر رشته‌های دانشگاهی ضرورت و اهمیت بسیار دارد. از آنجا که هدف از آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها تدوین سیاست‌هایی است که دانشجویان و اعضای هیأت علمی را به این امر تشویق و آنان را در این مسیر مساعدت نماید، برنامه‌های آموزشی و درسی در کلیه رشته‌ها و فرایندهای اجرایی آنان باید به گونه‌ای طراحی شوند که مهارت‌های لازم را در دو محور مهارت‌های فردی و تخصصی به دانشجویان ارائه کنند و در درون این برنامه‌ها انجام فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و بخصوص آموزش کارآفرینی جای داده شود. بنابراین با توجه به وجود تمایل بالای دانشجویان به سمت کارآفرینی از یک سو و عدم شناخت و آگاهی آنان از این موضوع از سوی دیگر، وجود یک مشکل عمده در سیستم آموزشی آشکار می‌گردد که رفع این معضل به شیوه منطقی و ساختارمند می‌تواند امری حیاتی جهت رفع بحران بیکاری از سوی مسئولین تلقی شود. از این رو به عنوان اولین گام جهت حرکت به سمت کارآفرینی، افزایش آگاهی و شناخت دانشجویان از مفاهیم اساسی کارآفرینی و کسب‌وکار، طرح توجیهی کسب‌وکار، ارتباطات کسب‌وکار، مفاهیم عمومی مدیریت و سازمان، مباحث حقوقی و قانونی کسب‌وکار، رویه‌ها و استانداردهای حسابداری درون یک شرکت، تجارت الکترونیک، مکان‌یابی کسب‌وکار، بازاریابی و فروش، تجارت بین‌الملل و مهارت‌هایی همچون خلاقیت و نوآوری، آینده‌نگری، برقراری ارتباطات، کارگروهی، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و ... می‌تواند در این زمینه بسیار راهگشا باشد. در این راستا ارائه برنامه‌های آموزشی و واحدهای درسی در طول دوره تحصیلی دانشجویان برای آموزش و انتقال مباحث فوق، امری مناسب و ضروری است. ذکر این نکته بسیار مهم است که محتوا، روش و ساختار برنامه‌های آموزشی فوق نیز باید به گونه‌ای متفاوت با برنامه‌های آموزشی رایج باشد تا رویکرد تئوری‌گرا و منفعلانه کنونی دانشجویان

جدیدی از مهارت‌ها و شکل‌های جدیدی از رفتار و هنر نیز می‌باشد. به عبارتی دیگر آموزش‌های قدیم مجبور به ادغام و رویکردهای (آموزش‌های) جدید هستند. این رویکردها به طور اساسی شامل یادگیری در مرحله تئوری و اجرا در مرحله عمل و فراهم کردن فرصت‌هایی برای دانشجویان است تا به طور فعال در مباحث کنترل و ترکیب گروهی در موقعیت‌های یادگیری مشارکت (فعال) داشته باشند [۲۶]. تعداد زیادی از محققان در مورد شایستگی‌های کارآفرینانه بحث نموده‌اند؛ با وجود این، شایستگی‌هایی که برای تأسیس (راه‌اندازی) کسب‌وکار جدید مورد نیاز هستند اغلب به‌وسیله آموزشگران در یک بعد موقت مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عقیده شفر و داگلاس آنچه در کلاس‌های آموزش کارآفرینی آموخته می‌شود باید موجب افزایش توانایی‌هایی چون استراتژی‌های خلاق، فنون نوآوری، درک طبیعی روندها، تغییرات وضعیت بازار و رهبری با درایت که پدیدآورنده کارآفرینی هستند، شود. به عبارت دیگر آموزش کارآفرینی به معنای آموزش جهت افزایش توانایی‌های مذکور می‌باشد [۲۷].

نتایج این تحقیق نشان داد از نظر دانشجویان و استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی (گروه علوم اجتماعی، گروه تربیت بدنی، گروه حقوق، گروه روانشناسی، گروه علوم تربیتی، گروه الهیات، گروه کتابداری و گروه مدیریت) وضعیت آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در این رشته‌ها بسیار نامناسب می‌باشد. در حقیقت مواد آموزشی (واحدهای درسی)، محتوای علمی واحدهای درسی و برنامه‌های فرعی علمی-آموزشی (مانند سمینار، کارگاه، بازدید و ...) و حتی شیوه‌های تدریس استادان در رشته‌های علوم انسانی در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار وضعیت نامناسبی دارند و دانشجویان به هیچ وجه دانش و مهارت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار را برای ورود به بازار کار نمی‌آموزند و بنابراین فاقد مهارت‌های لازم جهت انجام مشاغل گوناگون و یا راه‌اندازی، مدیریت و توسعه یک کسب‌وکار کوچک و مستقل می‌باشند. از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد که از نظر استادان رشته‌های علوم انسانی گنجاندن موضوعات درسی (مواد آموزشی) چون: ارتباطات، مهارت‌های کارآفرینی، تأسیس کسب‌وکار، مدیریت و سازمان، مدیریت استراتژیک، مبانی کسب‌وکار، کسب‌وکار الکترونیک، بازاریابی، طرح کسب‌وکار، کسب‌وکار بین‌الملل، مدیریت مالی،

- [9] Dana L.P., *The education and training of entrepreneurs in Asia*, Journal of Education & Training, Vol.43, No.8.9, 2001, pp.405-415.
- [10] Kuratko Donald F. and Hodgetts R.M., *Entrepreneurship: Theory, Process & Practice*, Vol.1, in: Amel Mehrabi E., (ed.), first edition, Mashahad, Jferdowsi university Publications, 2001.
- [11] Katz J.A., *The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education*, Journal of Business Venturing, Vol.18, No.2, 2003, pp.283-300.
- [12] Minniti M. and Bygrave W., *A dynamic model of entrepreneurial learning*, Entrepreneurship Theory and Practice, Vol.25, No.3, 2001, p.12.
- [13] Matlay H. and Westhead P., *Virtual teams and the rise of e-entrepreneurship in Europe*, International Small Business Journal, Vol.12, No.3, 2005, pp.353-365.
- [14] Gibb A.A., *Enterprise Culture-Its Meaning and Implications for Education and Training*, Journal of European Industrial Training, Vol.11, No.2, 1987.
- [15] Block Z. and Stump F.S., *Entrepreneurship Educational Research: Experience and Challenge*, Kent Publishing Company, Boston, 1992.
- [16] Gartner W.B. and Vesper K.H., *Executive forum: experiments in entrepreneurship education: successes and failures*, Journal of Business Venturing, Vol.9, 1994, pp.179-187.
- [17] McMullan W.E. and Long W.A., *Entrepreneurship education in the nineties*, Journal of Business Venturing, Vol.2, 1987, pp.261-275.
- [18] Zeithaml C.P. and Rice G.H., *Entrepreneurship/ small business education in American universities*, Journal of Small Business Management, Vol.25, No.1, 1987, pp.44-50.
- [19] Arasteh H.R., *Entrepreneurship and supreme education: principles and obstacles*, Journal of Rahyaft, No.29, 2003, pp.4-14.
- [20] Hills G.E., *Variations in university entrepreneurship education: an empirical study in an evolving field*, Journal of Business Venturing, No.3, 1998, pp.109-22.
- [21] McMullan W.B. and Cahoon A., *Integrating Abstract Conceptualism with Experiential Learning*, Academy of Management Review, 1979, pp.453-667.
- [22] Sexton D. and Kasarda J., *Entrepreneurship*, Pws-Kent Publishing Co, 1992.
- [23] McMullan W., Long Wayne A. and Graham James B., *Assessing economic value added by university-based new-venture outreach programs*, Journal of Business Venturing, Vol.1, No.2, 1986, pp.225-240.

تکرار نشود. طبق تحقیقات دانشمندان بهترین روش‌های مناسب یادگیری کارآفرینانه عبارتند از روش‌های کاربردی و آزمایشی. این روش‌ها شامل تجربه واقعی، مشاهده انعکاسی و ادراک انتزاعی می‌باشند. به‌طور کلی برنامه‌ها و سیستم‌های آموزشی باید به سمت خلاقیت، رویکردهای فرآیندگرا و کاربردهای تئوری‌گرا سوق داده شوند و از رویکرد فعالانه‌تر، حل مشکل و رویکرد منعطف به‌جای انعطاف‌ناپذیر استفاده نمایند. از این‌رو استفاده از روش‌های تجربی همچون طرح‌ریزی‌های شغلی، راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانشجویی، مشاوره با کارآفرینان، شبیه‌سازی‌های کامپیوتری، شبیه سازی‌های رفتاری، مصاحبه با کارآفرینان، کنکاش‌های محیطی، موقعیت‌های زنده (مستقیم) و استفاده از ویدیو و فیلم به عنوان روش‌های مناسب برنامه‌های آموزشی کارآفرینی پیشنهاد می‌گردند.

پی‌نوشت

¹International Labour Organization (ILO)

²Bylor

مراجع

- [1] Shan S., Locke E and Collin C., *Entrepreneurial motivation*, Human resource management Review, Vol.13, 2003, pp.257-279.
- [2] Salazar M.S., *Introduction to Entrepreneurship*, in: Nottagh S., (ed.), first edition, Iranian national productivity organization, 2004.
- [3] Abedi R., *Review of entrepreneurship Thinking schools*, journal of human sciences, Sistan Balouchestan University, Special for Economic and Management, 2002, pp.155-172.
- [4] Ahmadpour Daryani M., *Entrepreneurship, definitions, theories and model*, 6th edition, Tehran, Pardis 57 publication, 2005.
- [5] Ussaman A.M., *University and Entrepreneurship Development International*, Conference Budapest Hungary, 1998, pp.13-15.
- [6] Urbano D., Aponte M. and Toledano N., *Doctoral education in entrepreneurship: a European case study*, Journal of Small Business and Enterprise Development, Vol.15, No.2, 2008, pp.336-347.
- [7] Matlay H., *Researching entrepreneurship and education*, Education & Training, Vol.47, No.8.9, 2005, pp.665-677.
- [8] Ahmadpour Daryani M. and Moghimi S.M., *The role of entrepreneurship education in developing knowledge of business owners*, Journal of Tadbir, No.113, 2001.

- [24]Solomon G., *An examination of entrepreneurship education in the United States*, Journal of Small Business and Enterprise Development, Vol.14, No.2, 2007, pp.168-182.
- [25]Hynes B., *Entrepreneurship education and training: introducing entrepreneurship into non-business Disciplines*, Journal of European Industrial Training, Vol.20, No.8, 1996, pp.10-17.
- [26]Heinonen J. and poikkijoki S.A., *An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?*, Journal of Management Development, Vol.25, No.1, 2006, pp.80-94.
- [27]Shepherd D.A. and Douglas E.J., *Is management education developing, or killing, the entrepreneurial spirit?*, paper presented at the 42nd International Council for Small Business Conference, San Francisco, C.A., 1997.

Archive of SID